



www.30Book.com

\*\*\*\*\*  
در بعد گرمان رنگین کمان  
غادة السَّان

منتخب اشعار  
انتخاب و ترجمه دکتر عبدالحسین فرزاد

شعر زنانه در معنای ویژه آن به یونان باستان برمی‌گردد؛ در آنجا در اشعار سافو و  
بیلیتیس می‌توان اشعاری یافت که بی‌هیچ پوششی احساسات ظریف و در پاره‌ای  
موارد گستاخانه از سوی این شاعران بیان شده است:  
اگر دل تو جولانگاه هوس ناپاک نیست  
و اگر دهانت با دروغزنی سروکاری ندارد  
با دیدی پاک بین و بی‌گلگونی آرزوم  
به من می‌توانی نزدیک شد.<sup>۱</sup>

\*

برای آنکه دل‌های مردان را به دام افکنم  
سراپای خویش را عطراگین خواهم کرد  
دو پای زیبایم را در حوض نقره خواهم شست  
و با گلاب «تارسوس» و عبیر مصر خواهم آلود  
بر بازواتم نعنای تازه خواهم افشرد  
و مژگان یلندم را با سرمه نرم جزیره «کیوس» سیاهتر خواهم کرد.  
کنیزکا! تو نیز گیسوان مرا پریشان کن  
و با دود کندر بیالای.<sup>۲</sup>

\*

مقدمه مترجم

به گمان من مهمترین عامل شناخت شعر زنانه از شعر مردانه را باید در نحوه اندیشه و نگرش جستجو کرد، حتی اگر زبان صددرد مردانه باشد:  
من در این رنج آشنا تنها و تنها آینه  
یا که گویم گر نگویم درد دل با آینه  
با زبانم من خموش اینجا و رودروی من  
بسی زبان نکته پرور هست گویا آینه ۳

وقتی که اعتماد من از ریسمان سست عدالت آویزان بود  
و در تمام شهر  
قلب چراغ‌های مرا تکه تکه می کردند  
وقتی که چشم‌های کوفخانه عشق مرا  
با دستمال تیره قاتون می بستند  
و از شقیقه‌های مضطرب آرزوی من  
فواره‌های خون به بیرون می پاشید  
وقتی که زندگی من دیگر  
چیزی نبود، هیچ چیز بجز تیک تاک ساعت دیواری  
دریافتم، باید باید باید  
دیوانه وار دوست بدارم. ۴

### نگاهی کوتاه به زندگی غادة السمان

در جهان عرب، تنها شاعر و نویسنده‌ای که زنانه می نویسد و می سراید خانم غادة السمان، شاعره سوری، است. شاید بتوان او را از پرکارترین زنان اهل قلم در جهان عرب به شمار آورد و نیز یکی از آگاهترین افراد به مسائل زنان عرب. درخشش او چه در عرصه شعر و چه در داستان نویسی ممتاز است. آثار او به اکثر زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است.

غادة السمان در نامه‌ای که به تاریخ ۱۰/۱۰/۱۹۸۸ از پاریس برایم نوشته است، خود را این‌گونه معرفی می‌کند:

«در دمشق از پدر و مادری سوری زاده شدم. پدرم، مرحوم دکتر احمد السمان، رئیس دانشگاه سوریه و وزیر آموزش و پرورش بود. من تحت نظارت وی نخستین کارهایم را در سنین نوجوانی به چاپ رساندم.»

از دانشگاه سوریه با مدرک لیسانس در ادبیات انگلیسی فارغ‌التحصیل شدم. سپس دوره فوق‌لیسانس را در دانشگاه آمریکایی بیروت ادامه دادم. بعد از آن در دانشگاه لندن دوره دکتری ادبیات را پی‌گرفتم که هنوز از رساله‌ام دفاع نکرده‌ام.

مدتی در دانشگاه دمشق به‌عنوان استاد سخنران کار می‌کردم. سپس کار روزنامه‌نگاری را برگزیدم که هنوز نیز به آن ادامه می‌دهم و به‌عنوان Columnist در مجله الحوادث کار می‌کنم. در سال ۱۹۷۷ «مؤسسه انتشارات غادة السمان» را تأسیس کردم. من و نزار قبانی تنها ادیبانی هستیم که هر کدام مؤسسه انتشاراتی داریم که تنها آثار خودمان را در آن‌ها چاپ می‌کنیم و جز این هیچ‌گونه فعالیت تجاری نداریم.

اولین کتاب من عیناک قدری (جسمانت سرخوش من است) در ۱۹۶۳ منتشر شد. در سال ۱۹۶۹ با دکتر بشر الداعوق ازدواج کردم، او صاحب انتشارات «دارالطلیعه» و استاد دانشگاه و مدیر سابق بانک است. ما پسری هفده ساله به نام حازم داریم. از چهار سال پیش در پاریس زندگی می‌کنیم و به سبب جنگ‌ها و حوادث بیروت به اینجا آمده‌ایم.

بسیاری از کارهای من و قصه‌های کوتاه‌م به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی، یوگسلاوی، لهستانی، ایتالیایی، اسپانیایی، ارمنی و... ترجمه شده است.»

سخن گفتن از غادة السمان را به عهده بزرگان ادب معاصر عرب می‌گذاریم: ۵

محمد مهدی الجواهری (بزرگترین شاعر کلاسیک معاصر عرب):

«من از آنچه غادة السمان می‌نویسد سخت در شگفتم. آثارش را خواندم، مبهوت شدم و به خود بالیدم که جهان عرب زنی نویسنده در این سطح دارد. من از آثار زنان عرب و دیگران بسیار خوانده‌ام، اما چیزی برتر از نوشته‌های غادة السمان نیافته‌ام.»  
(۱۹۷۹/۱/۳۰)

شهید عثمان کنفانی (نویسنده انقلابی فلسطینی):

«منطق «نسل پل» که غادة السمان آن را بوضوح دریافته است، او را به عنوان زنی نویسنده و ممتاز معرفی می‌کند.»

یوسف ادیس (نویسنده معاصر مصری):

«غادة السمان انقلابی در ادبیات زنانه است.»

پروفیسور ولادیمیر شاگال (مستشرق روسی):

«می‌توان قصه «دو ساعت و کلاغ»، نوشته غادة السمان، نویسنده سوری (که آن را به روسی ترجمه کرده‌ام) را نمونه‌ای درخشان از توجه ادب عرب به موضوعات جدید دانست که زاییده تحولات اجتماعی است. در اینجا قصه عشق و وظیفه با آنچه در داستان‌های کلاسیک عرب موجود است، فرق دارد. این زن نویسنده در به وجود آوردن شخصیتی جذاب برای جوانی عربی و انقلابی موفق بوده است.»  
(مسکو - ۱۹۸۴)

سلمی الخضراء الجیوسی (شاعر و نویسنده به زبان عربی و انگلیسی):

«غادة السمان نمونه‌ای شگفت‌انگیز از جرئت و مبارزه‌ای دلیرانه در برزخی است که در وطن عربی در این بخش از قرن بیستم، مکانی قانونی ندارد. خدمت او به قضیه زن خدمتی عظیم است، زیرا غادة در نوشته‌هایش، همواره زن را از دست خودش و هراس‌ها و جهل او نسبت به حقوقش آزاد کرده است. غادة السمان برهانی است بر اینکه روشنفکر می‌تواند در سرزمین وطن مبارزه کند و نایب‌قدم باشد.»

## رجاء النقاش (نقاد مصری):

«در ادب غادة السمان روحی وجود دارد که با شجاعت، مقاومت و اصرار می خواهد برای خرد و قلب خود جایی در جهان باز کند... در استعداد غادة السمان تردیدی نیست، زیرا که او بر افتحام گردنه های صعب و خارستان ها تواناست. در حقیقت او گذرنامه به جهانی است که مدتی مدید در احتکار مردان بود... او دریافته است که آنچه جدایی همان جهان مردان و جهان زنان نام گرفته، فریبی بیش نیست... بنابراین غادة السمان این مدعه را درهم شکسته و ازین وهم گذشته است و «حریم ادبی» را که بیانگر یاوه گویی های مرد و اشیاء خاص او بوده، پشت سر گذاشته و با قلم و استعداد خود در گرداب مسائل زنده انسانی وارد شده است.» (ژوئیه ۱۹۷۸)

ادبا و نویسندگان بسیاری درباره این زن هنرمند گفته اند که از جمله آنان استاد غالی شکری، رشید یاسین و ابراهیم العریس را می توان نام برد. همه این بزرگان، به اتفاق غادة السمان را نقطه عطفی در ادبیات زنانه عرب دانسته اند.

از میان آثار فراوان شعر و نثر او می توان کتب زیر را نام برد:

۱. عیناک قدری (مجموعه داستان)، چاپ هشتم
۲. لایحرفی بیروت (مجموعه داستان)، چاپ هشتم
۳. لیل الغرباء (مجموعه داستان)، چاپ هفتم
۴. رحیل المرافیة القديمة (مجموعه داستان)، چاپ پنجم
۵. بیروت ۷۵ (رمان)، چاپ پنجم
۶. کوابیس بیروت (رمان)، چاپ ششم [که به چند زبان از جمله روسی و آلمانی ترجمه شده است].

۷. حبّ (شعر)، چاپ هشتم

۸. اعلنت علیک الحبّ (شعر)، چاپ هشتم

آخرین اثر شعری غادة السمان اشهد عکس الريح نام دارد که در اکتبر ۱۹۸۷ چاپ شده و آن را به عنوان آخرین کارش برایم فرستاده است.

## شعر غادة السمان

غادة السمان شاعر غریزه است، غریزه به جان آمده؛ غریزه‌ای که حداکثر فشار را تحمل کرده و دیگر هنگام از هم گسستن آن است؛ غریزه زن عرب که از پس دیوارهای ستبر و کهنه قرون، فریاد برمی‌آورد و اظهار وجود می‌کند. غریزه‌ای که به وجود حقیقی، دست یافته، به باور خود نشسته است و برای نخستین بار صدای خودش را می‌شنود، صدایی که هرگز فرصت نداشت آن را از حنجره گذرانیده، بر لب بلخزاند و به آوا بدل کند تا بتواند بشنود و بشنواند. غادة السمان زن شاعر است، با هویت زنانه، که از سوی خود او به رسمیت شناخته شده است:

من در جایگاه انکار ایستادم

در برابر کاسه ریگ‌های دور دست

میان «عدن» و «طنجه»

و اعلان می‌کنم: «نه»!

\*

شعر این شاعره عرب، از اصل غافلگیری برخوردار است و همواره خواننده با حادثه‌ای در کلام و بیان مواجه می‌شود که انتظارش را ندارد:

هرگاه ترا می‌طلبم

و درباره تو می‌نویسم

قلم در دستم

به گلی سخن بدل می‌شود...

\*

اینکه با تو باشم و با من باشی

و با هم نباشیم

جدایی همین است.

\*

به تو معتاد شدم

و کار تمام شد (یا می‌پنداری که آغاز شد؟)

سوزنی زَرین و مخدّر

حضور ترا در شریان‌های من می‌کارد

و زیانت را در سینه‌ام

تا کوبش‌های قلب

بیدار شود.

\*

غادة السَّمان، سال‌های پر آشوب بیروت را با تمام وجود لمس کرده است و بسیاری از اشعارش تبلوری ازین تراژدی هولناک است. تاریخی که با یأس و درد در

لبنان نگاشته می‌شود:

می‌روی تا نان بخری

چون بازمی‌گردی

دندان‌هایت را گم کرده‌ای

می‌روی آب بیاوری

چون بازمی‌گردی

ترا با امعائت دار زده‌اند

می‌روی تا سیب بخری

چون با سیب بازمی‌گردی

زنت را گم می‌کنی

و او را پاره پاره پشت سرمی‌گذاری...

عموماً بر بیشتر اشعار غادة که در سال‌های جنگ سروده شده، فرهنگ جنگ

حاکم است:

اگر انتظار تو نبود

بر ساحل فرومی‌افتادم

همچون بمبی یاوه

که به هدف نخورده است

\*

مقدمه مترجم



از دیدگاه شیوه بیان، شعر غاده‌السمان شعری روشن و ساده است، به دور از هرگونه پیچیدگی در روند عادی کلام. در حقیقت نوعی سهل و ممتنع را می‌توان در آن یافت. اگر در شعر او ابهامی پیدا شود، ابهامی است که از تصاویر بکر و غافلگیرکننده ناشی می‌شود و از خود زبان نیست، چراکه زبان او از معماگونه بودن همچون شعر آدونیس و مانند او به دور است. ازین نظر، اگر زبان آدونیس را به زبان احمد شاملو مانند بدانیم، زبان غاده‌السمان به زبان ساده و روان فروغ فرخزاد مانده است.

غاده‌السمان:

میاد که به تو اعتماد کنم.

آنگاه که دستاتم را فشردی

توسیدم

میادا انگشتاتم را بدزدی

و چون بر دهانم بوسه زدی

دندان‌هایم را شمردم

فروغ فرخزاد:

و این جهان پر از صدای حرکت باهای مردمی است

که همچنان که ترا می‌بوسند

در ذهن خود طناب دار ترا می‌یافتند...

همان‌گونه که بحق فروغ فرخزاد را یک حادثه در شعر فارسی، بلکه یک دگراندیشی در تفکر ادبی ایرانی می‌دانم، غاده‌السمان هم به گمان من یک آغاز در شعر عرب است، یک انفلاق، یک دگرش؛ برای نخستین بار است که در نزد عرب، زن به زبان خودش مطرح می‌شود. نزار قبانی برای سخن گفتن از سرتوشت به یغما رفته زن عرب بسیار دردمرک‌شید؛ حتی در شعر، چون زبان خلخال برپای کرد. اما از آنجا که به هر حال مرد است، نمی‌تواند چون زن از درون پرتویش سخن بگوید و غاده‌السمان کار را برای نزار قبانی بسیار آسان کرده است:

www.cheshmeh.ir



شعر غیر نرسی - ۲  
شعر جهان  
۱۲۰۰۰ تومان

ISBN-13: 978-964-5571-08-3



9 789645 571083

دوست من دارم  
اما نه خوانی مرا در بند کنی  
همچنان که آبشار نتوانست  
همچنان که دریاچه و این نتوانستند  
و بند آب نتوانست...  
پس مرا دوست بدان  
آنچنان که هستم  
و در به بند کشیدن روزگار نگاه من  
شکوش!  
و مرا بپذیر آنچنان که هستم  
بدان سان که دریا می پذیرد  
همه نهرها را که هموار به سوی او خیزانند  
و در دله او میزآنند  
مرا بپذیر  
به سان آبشارها، بند آبها، دریاچهها  
و بدان که چگونه رام را  
به سوی پذیرش بی نهایت،  
می یابم.

WWW.300BOOK.COM